

درباره مسجد جامع سگان و تاریخ گران سنگی که دارد

بازماندهای پیر با ایوان خمیده



هادی دقیق

از مکان هایی که در تاریخ سرزمین ایران بار غنی فرهنگی دارند و تاریخ سال هاوشخصیت های مختلف مرتبط با آن ها را نشان می دهند، مساجد هستند. مساجد به‌ویژه در خراسان، قرن ها به سبک و سیاق مخصوص خود طراحی و پیاده‌سازی می شدند. از مناطقی که تاحدودی می توان سیر مسجدسازی خراسانی را در آن بررسی کرد، جنوب خراسان رضوی امروزی به‌ویژه شهرستان خواف است. شمار بناهای تاریخی این منطقه نشان دهنده‌پیشینه‌خواف است که هرکدام دنیایی دیدنی دارند و حتی آن هایی که در گذار سال ها نابود و ناپدید شده اند هم داستانی شنیدنی دارند. از این میان، به‌بهانه‌بیست‌وپنج‌سالگی ثبت مسجد جامع سگان شهرستان خواف، به‌سراغ تماشایی‌ای این مسجد جامع رفته‌ایم. شهر کوچک و با قدمت سگان در جنوب شهر خواف قرار دارد و هم داخل خود شهر و هم اطرافش تا خرگرد و خواف و زوزن پر از آثاری است که پای هر علاقه‌مند به تاریخ و معماری کهن را سست و مخاطب را مجذوب می کند. شهر سگان معادن گران سنگی از سنگ آهن دارد و همین وزنه هم این شهر را در منطقه‌ویژه کرده است. همین نیز عاملی است برای گذار سگان از شهری سنتی به صنعتی. پس می توان گفت وجهتسمیه سگان در گویش محلی از «سنگ آهن» گرفته شده است، واژه‌ای که با حذف حرف «ه» به «سنگان» رسیده‌است. شهر سگان یکی از پنج شهر شهرستان خواف و مرکز بخش سگان است. تقریبا در بیست کیلومتری جنوب شهرستان خواف و در مسیر جاده تایباد و درست جایی که جاده‌باپنجی دودرجه‌ای به‌سمت تایباد کج می‌شود، بولوری در سمت راست مسیر است که جاده اصلی را به شهر سگان می‌رساند. در جنوبی‌ترین قسمت محلی که آبادی خانه‌ها جایش را به زمین‌های کشاورزی می‌دهد و کمی آن سوتر از قلعه تاریخی سگان، دیگر جاذبه شهر، مسجد جامع سگان قرار دارد. مسجدی که از قرار، روزی طنین ا... اکبر در سرایش می‌پیچیده و امروز بسیار خسته، اما همچنان پایدار بر جنوب خراسان رضوی و شهرستان خواف و جنوبی‌ترین قسمت شهر سگان تکیه زده است.

در منابع مختلف تاریخی نام سگان به چشم می‌خورد که نشان دهنده تاریخ درازدامن این خاک است، اصطخری، ابن حوقل، مقدسی، حمدا... مستوفی و... تاریخ‌نویسانی هستند که از سگان یاد کرده‌اند. حافظابرو، تاریخ‌نگار وجغرافی دان عهد تیموری که آرامگاهی در خواف دارد، نیز در زمره افرادی است که از سگان نام برده و به‌ویژه از منابع سنگ آهن منطقه در قرن نهم هجری یاد کرده است. شهر سگان از سال ۱۳۷۴ در تقسیمات کشوری به شهر تبدیل شد و یک سال بعد، یعنی در ۲۰ مهر ۱۳۷۵ مسجد جامعش ثبت ملی شد. اما مسجد جامع تنها مسجد قدیمی شهر نیست. مسجد گنبد که احتمالا به دوره سلجوقی می‌رسد، دیگر مسجد دارای قدمت این شهر است. آنچه اکنون از این مسجد به جا مانده، فضایی بسته با نقشه‌ای مربع‌شکل و گنبدی بلند است. نمای بیرونی مسجد در گذر زمان دگرگون شده و به‌شکل توده‌ای از کاھگل نمایان است.

مسجد جامع سگان اما از مسجد گنبد جدیدتر است و مربوط به دوره خوارزمشاهی است. این مسجد جامع ازجمله مساجد دایوانی سبک خراسانی است که هم‌دوره و مانند مساجد جامع گناباد، زوزن، فریومد و فردوس است. ورودی بنا با ایوانی کم‌عمق و تزئین‌شده با مقرنس‌های گچی، به‌میهمان نوید سادگی می‌دهد. داخل حیاط هم امتداد همان سادگی ورودی است، حیاطی سنگ‌فرش‌شده و رواق‌هایی دورتادور حیاط با طاق قوسی که بعضی از آن‌ها در طول زمان ناشیانه مرمت‌شده و کج است، نمایی از کاھگل و آجر، شش‌پایه با سقف چوبی و ستون‌های بزرگ که آدم را یاد نمونه‌های اولیه مسجدسازی مثل تاریخانه دامغان می‌اندازد و سرانجام تئپیه‌های آجری و محرابی گچی. روی دیوارهای بنا در دورتادور حیاط به‌شکلی تماشایی با آجر تراش و در برخی سطوح تلفیقی از کاشی کاری تزئین شده است. در این مسجد فقط ایوان قبله مانده است که سرگذشتی پرکشش دارد؛ متأسفانه ایوان مقابل قبله آن در گذار قرن‌ها تاب نیاورده و از بین رفته است و امروز، شش‌پایه به سبک جدید جای آن را گرفته است. این سبک مسجدسازی اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم به‌ویژه در خراسان رواج یافته است. شاید به همین دلیل است که آندره گدار، معمار و باستان‌شناس فرانسوی که در ایران هم پرکار بوده، نام این سبک را خراسانی برگزیده است. مسجد جامع زوزن در نزدیکی سگان نیز از شاهکارهای این سبک است. این نهضت در زمان اوجش با حمله مغول متوقف شد.

اما ویژگی منحصر به‌فرد جامع سگان، ردی است که روزگار بر ایوان قبله آن به جا گذاشته است؛ ردی که تأثیرش را می‌توان به‌راحتی در تک‌ایوان مسجد دید. ایوان قبله این مسجد در رانش‌های زمین و زلزله‌های بیپایی این قرن‌ها در منطقه خواف، تغییر شکل داده است. سایاطی که نگهدارنده دیوار مسجد محسوب می‌شود و بعدها ساخته شده است، ارتفاعش کمتر است. درنتیجه دیواره ایوان نتوانسته برابر زمین لرزه‌ها و باربری که بر دوشش بوده‌است، مقاومت کند. پس، فتره‌رفته‌با پس می‌کشد و از ارتفاعش کم‌وبر عرضش افزوده می‌شود. شکاف‌هایی هم که به‌مرور بر این ایوان پیدا شده، پر شده و شکلی بی‌همتا به ایوان داده است، به‌شکلی که عرض پایه ایوان از پا کار قوس و بالای ایوان کمتر است و دیوار ایوان کج بالا رفته و خمیده شده است. انگار هر شکافی را که پس از زلزله یا بار سنگین بنا ایجاد می‌شده، با دوعاب گچ پر می‌کرده‌اند. احتمالا تزئینات زیبای آجری‌کاری آن نیز پس از مرمت شکاف‌ها پیاده شده است. درمجموع، همین تمایزهاست که مسجد جامع پیر شهر سگان را به اثری ملی و مهم تبدیل می‌کند.



چند سال قبل تر از ۱۳۱۳ خورشیدی آغاز می‌شود، با خود خیابان‌های جدید سنگ‌فرش شده، هتل، بانک، گرم‌خانه و جمع‌آوری فقرا از سطح شهر، ساخت توالت‌های عمومی، حمام‌های دوش‌دار بهداشتی، بیمارستان، موزه و نیازمندی‌هایی از این دست را به ارمغان می‌آورد تا خانه هنگام‌ورود میهمانان نونوار باشد. البته این تغییر و تحولات تنها در دایره مشهد رخ نمی‌دهد و ورود این مسافران از شمال و جنوب کشور باعث می‌شود تا راه‌های منتهی به مشهد نیز که پیش از آن ناهموار، خاکی و حتی صعب‌العبور بودند، تسطیح، هموار و شن‌ریزی شود. سطرهای بعدی یادی از این تغییر و تحولات است.



نمایند که برای یک چنین مرکز مهمی که قبه الاسلام بوده و از همه جای دنیا جهت زیارت و دیدار می‌آیند این وضعیت پلیدی و کثافت چقدر افتضاح است. امر اکیده برای رفع این مناظر زشت صادر کنند.» بعد از این مطالبه بلدیه دستور ساخت چند توالت عمومی را هم در برنامه‌های کاری خود قرار می‌دهد.

● نخستین رنگ آمیزی شهری در مشهد در تابستان ۱۳۱۳ یعنی چند ماه پیش از آغاز هزاره فردوسی، میرزا موسی خان مهام که در آن دوران با سمت شهردار بر صندلی ریاست بلدیه تکیه زده، دستور نخستین رنگ‌آمیزی دیوارهای شهر را صادر می‌کند. برابر این حکم دیوارهای بازارها، گاراژها، کاروان‌سراها و حتی منازل رنگ آمیزی و چراغانی می‌شوند. تزئین و فرش اندازی سالن‌ها و آماده‌کردن محل استقرار میهمانان هزاره فردوسی از دیگر دغدغه‌های مسئولان شهر مشهد بوده است. حتی مبلغ ۱۰ هزار ریال برای آب‌پاشی مسیر حرکت میهمانان و خرید لوازم و اجرت‌ها هزینه می‌شود. مرحوم غلامحسین بقیعی در کتاب «مزار میرمراد» این ایام را این‌طور توصیف می‌کند: «دستور داده‌اند کلیه بازارها، گاراژها، کاروانسراها، مغازه‌ها و تمام در و پنجره‌هایی که به‌طرف خیابان‌باز می‌شوند، رنگ روغن بزنند، شیشه‌های شکسته و درهای بدقواره را مرمت کنند و پیاده‌روها را تمیز نگاه‌دارند. با این دستورات کارنقاشان رونق گرفت ولی این عده نمی‌توانستند تمام درها را به سرعت رنگ کنند. از این رو خود کاسب کاران رنگ‌هایی می‌ساختند و به درها می‌مالیدند اما این عمل سودی نبخشید و رنگ‌ها گوناگون و الپلنگی از آب درآمد و بد از بدتر شد. عاقبت زیر نظر مراقبت مستقیم شهربانی درب تمام مغازه‌ها، کاروانسراها و پنجره بالاخانه‌های خیابان‌ها به رنگ طوسی درآمد.» * بنیان گذار شبکه تلفن سراسری ایران، بانی کتابخانه مجلس، نماینده مردم در مجلس ملی، کاشف محل خاک سپاری و بنیان گذار آرامگاه فردوسی

طوبی اردلان افتتاح آرامگاه حکیم طوس و برگزاری هزاره فردوسی در ۲۰ مهر ۱۳۱۳ خورشیدی بی‌شک مهم‌ترین رویداد مشهد و ایران در سال‌های ابتدایی قرن چهاردهم است. رویدادی که به واسطه حضور مستشرقان، خاورشناسان، ادیبان، پژوهشگران و چهره‌های برجسته علمی از ممالک خارجه سبب دگرگونی چهره شهری و عمرانی مشهد می‌شود. آن هم در کمتر از یک دهه. تغییراتی که شهر را از چهره روستاگونه قاجاری‌اش به شهری نیمه مدرن یا در آستانه مدرن شدن بدل می‌کند. در واقع آماده‌سازی ارض اقدس که



هوا ی بالا خیابان خیلی مؤثر بود، موجب دلتنگی سکنه بالا خیابان شده و تاکنون عده زیادی تقاضا نموده‌اند که این موضوع راه بلدیه تذکر دهیم.» پس از سنگ‌فرش کردن خیابان‌ها و تعریضشان بلدیه در فروردین ۱۳۱۰ به جبران قطع درختان، در نخستین تجربه خود برای زیبا سازی شهری، میدان ارگ را گل کاری می‌کند ولی از ترس اینکه مردم گل‌ها را نخینند، اطراف آن را حصار چوبی می‌کشد. ● ورود مسیو اورارد و جاده‌سازی با اینکه وزارت فواید عامه که یکی از وظایفش ساخت جاده بوده، از سال ۱۳۰۴ خورشیدی ساخت راه‌های خراسان را در دستور کار خود قرار داده، آقای میرزا مصطفی خان فرجام را مأمور سرکشی و تفتیش طرق، شوارع خراسان و سایر امور می‌کند اما تسطیح راه و راه‌سازی نیز در ادامه پروژه آماده‌سازی مشهد برای برگزاری هزاره فردوسی، از سال ۱۳۰۹ به بعد جدی‌تر می‌شود. آنچنان که شن‌ریزی جاده شاهرود به مشهد (خرداد ۱۳۰۹)، تعمیرات جاده شوشه نیشابور و راهی که به مقبره حکیم عمر خیام می‌رود (مهر ۱۳۰۹) و ساخت راه خراسان به یزد از طریق طیس (آبان ۱۳۰۹) همگی در مدت کوتاهی به انجام می‌رسند. برابر اسناد در همین ایام فردی به نام مسیو اورارد مهندس اداره طرق خراسان هم وارد مشهد می‌شود تا گزارش‌هایی راجع به وضعیت راه از بندرگز (گز) تا بجنورد را که تقریبا هفتاد فرسخ بوده، ارائه کند. اورارد نیز در گزارشش می‌گوید: «تسطیح و ترمیم راه بندرجز به بجنورد، به کلی خاتمه پیدا کرده فقط اصلاحات جزئی و ساختمان پل‌های کوچک باقی مانده که آن هم تا این روزها باید اصلاح و ساختمان پل‌ها به اتمام رسیده باشد. ساختمان راه جدید بین قوچان و شیروان نیز خاتمه یافته، وسایط نقلیه می‌توانند از راه جدید عبور و مرور نمایند. همچنین بارندگی‌های متوالی سال گذشته غالب نقاط جاده خط زاهدان را خراب کرده، وسایط نقلیه

گذری بر روزگار مشهد در سال های منتهی به هزاره فردوسی

تاریخ یک تغییر فرخنده



● به نام خیام به کام فردوسی در سال ۱۳۰۱ جمعی از ادب‌دوستان ایرانی گرد هم می‌آیند تا برای ساخت مقبره فردوسی تصمیم بگیرند، اما این موضوع چند سالی به تعویق می‌افتد. ماجرای ساخت آرامگاه فردوسی در واقع از انتشار خبری در آبان ۱۳۰۴ خورشیدی دوباره مطرح می‌شود. در این ایام آقا بالاخان گنجی معروف به «سالار معتمد» که یکی از خوانین بزرگ خراسان در عهد قاجار و اوایل پهلوی اول (ساکن نیشابور) بوده، تصمیم می‌گیرد مزار عمر خیام را که در آن ایام نیمه ویرانه‌ای ناشکوه بوده، تعمیر کند. این تصمیم با اقبال رو به‌رو شده و مطبوعه آزادی در گزارشی می‌نویسد: «امیدواریم یک سالار معتمد دیگر هم برای تعمیر مقبره محبی عجم حکیم فردوسی طوسی پیدا شده، ایران و ایرانی را از ذلت قدرشناسی خلاص کند.»

پس از درج این خبر انجمن آثار ملی پای کار می‌آید و برای تعمیر هر دو آرامگاه (عمر خیام و فردوسی) اعانه جمع می‌کند و به این شکل، کار صورتی رسمی و ملی به خود می‌گیرد. در ادامه هم زمانی این مطالبه با نزدیک شدن به هزارمین سال تولد فردوسی بزرگ جدی‌تر می‌شود. آن قدر که سه سال بعد از این تاریخ، بالاخره در خرداد ۱۳۰۷ خورشیدی، ارباب کیخسرو شاه‌رخ* با دستور ساخت مقبره برای فردوسی به مشهد سفر کرده، کمیسوینی برای پیشبرد این هدف تشکیل می‌دهد. در این کمیسئون هزینه ساخت مقبره را ۲۸ هزار تومان برآورد می‌کنند اما به جز ساخت آرامگاه از همین سال، ساخت وسازها و فعالیت‌های عمرانی برای آماده کردن شهری درخور هزاره فردوسی رونق می‌گیرد.

● ساخت خیابان‌های جدید و سنگ‌فرش کردن کوچه‌ها

ساخت خیابان‌های جدید ماشین‌رو، سنگ‌فرش کردن کوچه‌ها، خراب کردن دالان‌ها و گذرهای باریک با هدف تعریض راه‌ها، یکی از نخستین اقدامات



حضور میهمانان هزاره فردوسی در خیابان ارگ / سال ۱۳۱۳ نمایی از مسیر آذین شده خیابان ارگ تا آرامگاه فردوسی / سال ۱۳۱۳ تسطیح زمین برای ساخت آرامگاه فردوسی / سال ۱۳۰۷

کوک‌زاده یکی از اصیل‌ترین و منحصربه‌فردترین صنایع دستی مشهد، هنر «هرکاره تراشی» است. هنری که از دل سنگی به نام سربانتین به دست می‌آید. سنگی که در هیچ کجای ایران و حتی جهان به‌جز مشهد وجود ندارد. این هنر و این سنگ بین مردم مشهد با نام دیزی سنگی گره خورده است که به آن هرکاره هم می‌گویند. اما این هنر در تولید اشیای زینتی هم نمود دارد، محصولاتی مانند کاسه و بشقاب، قندان، گلدان، سماور و قوری که با نقوش مختلف قلم‌زنی شده‌اند و بسیار زیبا هستند.

یکی از همین کاسه و بشقاب‌های سنگی زیبا که طرح گل روی آن قلم‌زنی شده و ساخت مشهد است را می‌توان در مجموعه حسن روزبهی دید. مجموعه‌داری که اشیای زندگی روزمره قوم و خویش‌هایش را جمع‌آوری می‌کند. بخشی از مجموعه او متعلق به مادر بزرگش مروراید لشکری

است و بخشی هم مربوط به مادر بزرگ همسرش فاطمه عنتیقه‌چی. این کاسه و بشقاب هرکاره هم که بیش از یک صدسال قدمت دارند، جزو وسایل منزل همین خانم عنتیقه‌چی بوده است. ارتفاع کاسه ۱۲ و قطرش ۲۰ سانتی‌متر است. قطر بشقاب اما از کاسه کمی بیشتر و ۲۴ سانتی‌متر است. هنر هرکاره تراشی را می‌توان یکی از نشان‌های ملی صنایع دستی خراسان رضوی دانست. اما انگار شناخت آن از مرزهای شهر خودمان فراتر نرفته است با اینکه درباره اصالت و قدمت آن مستندات تاریخی هم وجود دارد. فردوسی بزرگ جایی در شاهنامه به این هنر اشاره کرده است: «به هرکاره چون شیربا پخته شد زن و مرد زان کار پردخته شد، در عیون اخبارالرضا آمده امام هشتم^(ع) پس از ورود به نوغان به کوهی که از آن سنگ برداشت می‌کردند، تکیه کرده و فرموده خداوند به این کوه